

**گروه فرهنگ و هنر-علی رهبری** آهنگساز و رهبر ارکستر بین‌المللی ایران که طی سال‌های گذشته در کشورهای مختلف اروپایی مشغول به فعالیت در عرصه موسیقی بوده است، ضمن اشاره به تازه‌ترین فعالیت‌های موسیقایی خود بیان کرد: چندی پیش در رسانه‌ها گفتگو‌هایی پیرامون نحوه فعالیتیم در روزهای کرونایی داشتم که یکی از آن‌ها مربوط به تلاش برای به پایان رساندن پروژه «سونت‌های شکسپیر» بود که طی سال‌های اخیر فرصتی برای انجام آن نداشتیم. اما روزهای کرونایی موجب شد تا در این زمینه فعالیت‌هایی را انجام دهم.

وی ادامه داد: خوشبختانه این اتفاق افتاد و طی آن ۱۵۴ غزل (Sonnets) ویلیام شکسپیر به طور کامل توسط بنده با همکاری گروهی از آهنگسازان ایرانی تولید شد و قرار است به زودی در بازار جهانی عرضه شود. این سونت‌ها در قالب هشت تا ده آلبوم، با حضور چندین خواننده ایرانی و جهانی منتشر می‌شوند. این در حالی است که در بخش نوازندگی پیانو سولیست مشهور از کشور اسلواکی به نام «الادیسلاو فیان سوتیس» در کنار پروژه حضور دارد.

متنکر و خالق پروژه «سونت‌های شکسپیر» با اشاره به جزئیات این پروژه بین‌المللی گفت: همان طور که اشاره کردم، روزهای کرونایی برای من بهترین وقت بود تا در عین رعایت پروتکل‌های بهداشتی، بعد از ۱۰ سال این وقت را پیدا کنم که با همراهی دوستان آهنگساز ایرانی‌ام، سونت‌های شکسپیر را به پایان رسانم. کلمه Sonnet و ریشه ایتالیایی «sonnetto» به معنی «آواز کوچک» می‌آید که از زبان فرانسه به انگلیسی راه یافته‌است. این‌ها بیشتر مثل غزل‌های مسامی‌مانند، البته در مقایسه بین غزل در

**گروه فرهنگ و هنر - علی** فرم‌ریزی، هنرمند نقاش در یادداشتی با عنوان «زخمی بر اسطوره» با بیانی روایی و داستان‌گونه اما کوتاه، از رنگ‌های سخن گفته است که در طول تاریخ بر پیکر دماوند فرود آمده است.

متن یادداشت این هنرمند که به دنبال آشناس خیر صدور سند وقف یک بشرش از کوه دماوند به نگارش درآمده و به شرح زیر است:

«دم‌مای صبح سردی هوا می‌طبلید که لحاف را به روی سرت بکشی و آن‌خانی را در روی گونه‌هایت احساس کنی. خروس‌های روستا که در همه خانه‌ها یافت می‌شوند، گویی رسالتی بر دوش داشتند که به نتاب صدای خود را در سکوت دره رانند که تا همه ساکنان را برای نماز صبح بر خیزانند. در رختخواب که می‌نشستی از پشت پشه‌بند هم اگر

ادبیات فارسی با غزل‌واره‌های سبک شکسپیر، غزل فارسی دارای قافیه است که همان قافیه صراع اول و بیت مطلع است؛ ولی سونت‌های شکسپیری، می‌توانند در کل دارای ۷ قافیه مختلف باشند.

**آهنگسازانی که شکسپیر را زبانی جدی گرفتند!**

رهبری با اشاره به پیشینه ساخت این اثر موسیقایی توضیح داد: حدود ۲۸ سال پیش زمانی که مدیر هنری ارکستر فیلهارمونیک بروکسل بود همزمان در اپرای شمال انگلیس (شهر لیدس) و بعد در اپرای ملی لندن ماه‌ها رهبری اپرا می‌کردم. در آن شرایط بعد از تمرین‌های اپرا، در هتل وقت زیادی داشتم. در این زمان بود که با سونت‌های شکسپیر آشنا و شیفته ۱۲ سونت مختلفی این نویسنده شدم. جالب اینکه بعد از مطالعه متوجه شدم آهنگسازان بسیار مشهوری روی سونت‌های شکسپیر موسیقی گذاشته‌اند، ولی از آن جایی که آن‌ها شکسپیر را زیادی

احساس کردم، شکسپیر برخلاف تصور خیلی‌ها، شخص ساده، آسان و حتی شوخ و به قول ما ایرانی‌ها بحالی بوده است؛ بنابراین تصمیم گرفتم روی سونت‌ها به سبک «موسیقی سبک» ملودی بنویسم که برای مردم هم فهمش آسان‌تر باشد و هر کسی بتواند آن‌ها را با ملودی بخواند.

وی افزود: در آن زمان یکی از رهبران و آهنگسازان جوان بسیار بااستعداد ایتالیایی به نام «پاولو پسینا» که در بعضی شهرها مانند مادرید و پالمو سمت دستکاری من را داشت، پیشنهاد کرد که آن‌ها را برای پیانو تنظیم کند. من از این پیشنهاد استقبال کردم و وقتی که یکی از خوانندگان بلژیکی این آثار را خواند، خیلی مورد تشویق اهل فن قرار گرفت. حتی دوستانی مانند فرانس کوخ (مدیر شرکت بین‌المللی کوخ) گفت: «هیچ وقت، هیچ آهنگسازی سونت‌های شکسپیر را به صورت کامل رویش موسیقی نگذاشته و تو اگر این کار را بکنی در تاریخ موسیقی تک خواهد بود.»

رهبری ادامه داد: در این مجال فضا به سستی رفت که قول‌های مساعدی برای ضبط و انتشار آلبوم در آلمان مطرح شد. البته دوستانی مانند «لرنده لاپرت» آهنگساز مشهور بلژیکی، «پاولو پسینا» ایتالیایی و

### فرهنگ و هنر

**علی رهبری خیر داد؛**

# پروژه «سونت‌های شکسپیر» به پایان رسید

**علی رهبری آنگساز و رهبر ارکستر شناخته شده کشورمان از پایان کار آهنگسازی و تولید پروژه «سونت‌های شکسپیر» با همکاری گروهی از آهنگسازان ایرانی خبر داد.**



از همه مهم‌تر دوست بسیار عزیزم احمد پژمان نیز من را بی‌نهایت تشویق کردند و مردم هم فهمش آسان‌تر باشد و هر کسی بتواند آن‌ها را با ملودی بخواند. وی افزود: در آن زمان یکی از رهبران و آهنگسازان جوان بسیار بااستعداد ایتالیایی به نام «پاولو پسینا» که در بعضی شهرها مانند مادرید و پالمو سمت دستکاری من را داشت، پیشنهاد کرد که آن‌ها را برای پیانو تنظیم کند. من از این پیشنهاد استقبال کردم و وقتی که یکی از خوانندگان بلژیکی این آثار را خواند، خیلی مورد تشویق اهل فن قرار گرفت. حتی دوستانی مانند فرانس کوخ (مدیر شرکت بین‌المللی کوخ) گفت: «هیچ وقت، هیچ آهنگسازی سونت‌های شکسپیر را به صورت کامل رویش موسیقی نگذاشته و تو اگر این کار را بکنی در تاریخ موسیقی تک خواهد بود.»

رهبری ادامه داد: در این مجال فضا به سستی رفت که قول‌های مساعدی برای ضبط و انتشار آلبوم در آلمان مطرح شد. البته دوستانی مانند «لرنده لاپرت» آهنگساز مشهور بلژیکی، «پاولو پسینا» ایتالیایی و

## در ناله های دماوند چه رازی نهفته است؟

می‌آوردی که به آن دشت می‌گفتند. به جز تک اتوبوس که چندباری در هفته می‌آمد به‌ناگهی این صدای ناله از نفس‌نفاذ کامیون‌هایی بود که همه سعی

**دم‌مای صبح سردی هوا می‌طبلید که لحاف را به روی سرت بکشی و خنکی آن را به روی گونه‌هایت احساس کنی. خروس‌های روستا که در همه خانه‌ها یافت می‌شوند، گویی رسالتی بر دوش داشتند که به نتاب صدای خود را در سکوت دره رانند که تا همه ساکنان را برای نماز صبح بر خیزانند. در رختخواب که می‌نشستی از روی پشه‌بند هم اگر بیه روی بیت نگاه می‌کردی می‌توانستی از روی همان پشت‌بام به غلظی راه سرتاسر دره هراز را ببینی و صدای گاو‌ها که در زنان روستا را برای دوشیدن شیرشان فراموش‌نکردند، بلند می‌شد و خرناس‌هایشان غلغلی روزانه را به خاطر می‌آورد و پس از آن رهم‌ها بودند که با صدای زنگوله‌هایشان راه کوه و کمرکش‌های قلّه را در پیش می‌گرفتند. اینجا روستایی‌رینه بود، نزدیک‌ترین ده به قلّه دماوند. روستایی در سرانحیی که دودین در کوه‌چمایش می‌توانست منجر به حادثه شود و چنانچه امتداد می‌دادی لاجرم از گندم‌زارهای مسر در**

شان را می‌کردند که جاده باریک و پرپیچ و خم در رینه را از کف دره هراز تا روستا پیمایند تا خود را به دامنه‌های قلّه برسانند و در آنجا انسان خود را کوت

به روبه‌رویت نگاه می‌کردی می‌توانستی از روی همان پشت‌بام سه غلظی را که سرتاسر دره هراز را پوشانده بود و فضای بوی‌گونه و سنگین را خلق کرده بود را شاهد باشی. احساس می‌کردی بر فسزاز اپرها قرار گرفته‌ای و فقط قسمتی از کوه روبه‌رو و روستای رینه از آن بیرون زده است. کم‌کم صدای گاو‌ها که زنان روستا را برای دوشیدن شیرشان فراموش‌نکردند، بلند می‌شد و خرناس‌هایشان غلغلی روزانه را به خاطر می‌آورد و پس از آن رهم‌ها بودند که با صدای زنگوله‌هایشان راه کوه و کمرکش‌های قلّه را در پیش می‌گرفتند.

اینجا روستایی‌رینه بود، نزدیک‌ترین ده به قلّه دماوند. روستایی در سرانحیی که دودین در کوه‌چمایش می‌توانست منجر به حادثه شود و چنانچه امتداد می‌دادی لاجرم از گندم‌زارهای مسر در

پناه چیزی بودن که می‌دانستی تنها به این مکان تعلق دارد و در آن بالاست. چیزی غرورآفرین که از راه‌های دور و گاه‌ها خارج از ایران گروه‌هایی می‌آمدند برای رفتن به قلّه آن هم اگر از قبل با راهنمای آن هماهنگ کرده بودند و فصل رفتن هم بود. کسی که ماسه او عمومی گفتیم و برای خود معروفیتی داشت.

زیاد شدن رفت و آمد کامیون‌ها و بردن هر روزه بخشی از کالبد دامنه‌های کوه به‌تدریج خفره‌هایی بر جای گذارد و زخم‌هایی را پدید آورد که اگر گوش می‌سپردی ناله‌ها و شکایت قلّه دماوند را از ایسن همه جفا و کم‌توجهی و بر خروشدین اسطوره‌هایی که این کوه رفیع نیچایشه در دل خود نگاهبانی می‌کرد را می‌شنیدی: زخم‌ها به تدریج فراختر و فراختر شده‌اند و خفره‌های برج‌های ماندسه چرکین‌تر و غیرقابل‌جبران‌تر. بله می‌کرد بر گوش جان اهل خرد و نیک

بود. یعنی رقمی حدود ۳۰۰ هزار یورو نیاز داشت که شرکت کوخ این مسؤلیت را به عهده گرفته بود. ایسن در حالی بود که در سال ۲۰۰۰ قرار بود این قطعات با ارکستر و خواننده‌های مختلف ضبط شوند. همه چیز هم آماده شده بود، ولی متأسفانه بخاطر بحران در شرکت‌های تولید موسیقی و تعطیل شدن شرکت کوخ، ادامه پروژه غیرممکن و به مدت ۱۹ سال متوقف شد.

هیچ وقت نخواستم به خودم اجازه بدهم که آثار خودم را در کنسرت‌هایم رهبری کنم یا اینکه از رهبر ارکستر دیگری خواهش کنم که رهبری کند. من همیشه این کار را فاسدم می‌دانستم و می‌دانم، چون که در هر کشوری که مسئول بوده‌ام ده‌ها آهنگساز دیگر منتظر اجرای آثارشان بودند ولی افزود: بعدها که در موقعیت‌های مناسب شغلی نیز که قرار گرفتم می‌توانستم از امکانات مجموعه‌ها و کمپانی‌هایی چون «کوخ دیسکاور اینترنشنال» آلمان نیز برای تولید این کارها استفاده کنم اما این کار را انجام ندم. من در بسیاری مواقع اختیارات مالی و قدرت تصمیم‌گیری هم داشتم اما هیچ وقت نخواستم به خودم اجازه بدهم. من از آن دوران بود که به نوشتن موسیقی بی‌سرو صدا ادامه می‌دادم و به علاقه‌ای به رهبری و اجرای این کارها نیز نداشتم.

وی افزود: بعدها که در موقعیت‌های مناسب شغلی نیز که قرار گرفتم می‌توانستم از امکانات مجموعه‌ها و کمپانی‌هایی چون «کوخ دیسکاور اینترنشنال» آلمان نیز برای تولید این کارها استفاده کنم اما این کار را انجام ندم. من در بسیاری مواقع اختیارات مالی و قدرت تصمیم‌گیری هم داشتم اما هیچ وقت نخواستم به خودم اجازه بدهم. من از آن دوران بود که به نوشتن موسیقی بی‌سرو صدا ادامه می‌دادم و به علاقه‌ای به رهبری و اجرای این کارها نیز نداشتم.

این هنرمند موسیقی در بخش دیگری از صحبت‌های خود بیان کرد: آن دسته از هنرمندانی که سن و سالی دارند می‌دانند که من قبل از رهبری ارکستر، در حوزه آهنگسازی فعالیت می‌کردم کما اینکه آثاری چون «نوحه خوان» و «خون



شود تا به کمک مدرک در جیب‌داران کیف بر دست قانون را مشاطه کنند و فرامس کنند. رهبری ادامه داد: با توجه به اینکه آهنگسازی برای من در این سال‌ها به عنوان یک فعالیت تفننی محسوب می‌شده، من تلاش می‌کردم در چارچوب این تفنن کارهای زیادی را آهنگسازی کنم. کارهایی که حالا می‌توانم فرصتی برای انتشار آن‌ها داشته باشم و «سونت‌های شکسپیر» یکی از همین آثاری است که اکنون در آستانه عرضه به مخاطب است. آثاری که با توجه به تفتنی بودن فضای ساخت آن‌ها و اینکه زیر فشار قرار نداشتیم، ترانه‌های زیبایی به انجام رسد.»

این هنرمند کم حرف و درون گرا، تراژدی‌هایی در ادبیات عامیانه گر جست‌وجا می‌شود که در سال‌های جوانی بازیگر مشهور مارگاریتا که نقاشی با همین عنوان از آثار فاخر این هنرمند است، چند روز از این شهر بازدید کرده است و یک روز پیروسمانی در مقابل محل اقامت این بازیگر، ده‌ها چرخ دستی عظیم پر از گل سرخ قرار داد. نیکو برای خرید همه گلهای شهر، خانه اش را فروخت و آنها را به نشانه عشق او برایش فرستاد اما چند روز پس از آن این زن ثروتمند گر جست‌وجا را ترک کرد به این ترتیب داستان نافرمانی عم غم انگیز پیروسمانی به پایان رسید. پس از این نیکو در یک اتاق زیر شیروانی در فقر شدید زندگی کرد و تنها منبع درآمد پیروسمانی نقاشی‌هایی بود که بسیار ارزان می فروخت.

بعضی اوقات او برای تهیه غذا و نوشیدنی، دیوارهای میخانه‌ها را نقاشی می کرد و نیکو حتی قدرت خرید رنگ را نداشت تا بتواند برای خودش نقاشی کند.اکنون در مکان زندگی این هنرمند موزه نیکو پیروسمانشوئیلی که از سال ۱۹۸۲ افتتاح شده‌است نقاشی‌ها و اشیای خصوصی وی وجود دارد.نیکو به ندرت مناظر شهری را نقاشی کرد و بیشتر وارد روابط با هنرمندان صاحب‌نام دوره خود می‌شود و حتی نخستین گردهمایی هنرمندان گرچی که با حضور وی ترتیب داده می شود، آخرین حضور وی نیز به شمار می آید. روابط او با هنرمندان حرفه‌ای هیچگاه شکل نگرفت چون برای وی عایدی معیشت، مهم‌تر از انتزاعات زیبایی‌شناسی بود.

معرفی کتاب «همه‌ی ما عجیب و غریبیم» نویسنده: ست گادین مترجم: امیر انصاری گروه‌فرهنگ و هنر - کتاب همه‌ی ما عجیب و غریبیم، نوشته ست گادین است. ایسن کتاب با ترجمه امیر انصاری منتشر شده است. این کتاب با شعار آغاز ظهور قبایل و پایان نرمان نوشته شده است. درباره کتاب همه‌ی ما عجیب و غریبیم نویسنده: ست گادین مترجم: امیر انصاری

ثروتمند است که بتواند تصمیم بگیرد و بر اطرافیانش یا به قول ست گادین روی قبيله‌اش تاثیر بگذارد.ثروتمند بودن از نظر ست گادین، متفاوت بودن است. شما باید از اطرافیان‌تان جدا باشید و همین خاص بودن شما را موفق و ثروتمند می‌کند.

خواندن کتاب همه‌ی ما عجیب و غریبیم را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم ایسن کتاب را به تمام کسانی که ثروتمند شدن از اهداف زندگی‌شان است، پیشنهاد می‌کنیم.

و دست‌ورایق **سای‌دا** SAYDA

انواع غذاهای ایرانی و دریایی با کادری مجرب و با سابقه آماده عقد قرارداد با شرکت‌ها و موسسات

آدرس: کیش - بلوار خیام - خیابان باباطاهر 44 TS    تلفن: ۰۷۶۴۴۴۰۴۰۰

نماینده‌ی چارکی زاده‌کد: ۰۶۰۶

مشاوره و صدور انواع بیمه نامه‌ها

تلفن: ۳۳۶۷۸۶۳۸    موبایل: ۰۹۱۷۷۶۴۱۳۲۱

بندرعباس، اوقاف، پاساژ آسمان

انواع اسپلیت، کولر، یخچال‌های خانگی و صنعتی کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۰۶

نقاشان هنر ناثیف را بشناسیم؛

**پیروسمانی؛ نقاشی که پس از مرگ در فقر، به شهرت رسید**

گروه فرهنگ و هنر - نیکو پیروسمانی، نقاشی خودآموز بدوی گرای گرچی بود که در فقر بر اثر سوء‌تغذیه جان داد و بعد از مرگش به شهرت رسید. اگر به نخستین فارنگاری‌های انسان بنگریم می‌توان آن را فرایندی در راستای مانا کردن خود در جهان هستی دانست؛ همواره بشر آرزوی دست یافتن به آب زندگانی را داشته‌است و در حکایت‌ها و افسانه‌های اسطوره‌های روایی دستیابی به جادوگرگانی روایت شده است. اما تخیل اثری توان بزرگ‌ترین ابزار بشر برشمرده می‌توانست در آن جهان را از آن خود کند و با فرهنگی کردن امر طبیعی، رویا و واقعیت را در تصویر به هم پیوند زند تا تراوش‌های آن غارنگاری‌ها به هنر نقاشی تکامل یابد.بازنمایی تقلیدگرایانه هستی به عنوان اولین مواجهه نقاشان با جهان پیرامون را می‌توان پاسخی به عطش از آن خودسازی جهان هستی پنداشت همانطور که دفترچه نقاشی کودکان صندوقچه‌ای است از تمامی علاقه‌مندی‌هایی که به شکل ناخودآگاه به تصویر درآمده‌اند.نقاشان بزرگی به صورت شهسودی در مسیر جدای آموزه‌های آکادمیک، جهان پیرامون خود را مصور کردند که در تاریخ هنر جهان ماندگار شدند.رنگ‌گذاری‌های بدوی و ابتدایی، رهایی از قید و صنایع صوری چون پرسپکتو و آناتومی در آثار این نقاشان به فرم‌هایی تجربی منتهی شد که در مسیر تاریخ هنر جایگاه ویژه‌ای کسب کردند که به نقاشان هنر ناثیف (ARTNIFE) شناخته می‌شود که با بدوی‌گرایی که یک جنبش هنر است متفاوت شمرده می‌شود.

#نانوکتاب خودت را از نو بساز تنها اصل ثابت در این جهان، تغییر است جیمز آلتوچر

خلاصه‌ای ۳۶٪ درجه از کتاب‌ها

شرکت تاسیس کرد که ۱۷تای آنها ناموفق ماندند. این تجربیات باعث شد نگرش خود به کسب‌وکار و زندگی را تغییر دهد و به حقایق دست یابد که توسط یادکست خود، معروف به شیو جیمز آلتوچر، که تا به امروز بیش از ۵۰ میلیون بار دانلود داشته است، آنها را با یقیه به اشتراک بگذارد.

**خواندن کتاب خودت را از نو بساز را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم:** ایسن کتاب را به تمام کسانی که می‌خواهند مدیریت زندگی‌شان را خودشان به دست بگیرند پنهان می‌کنیم.

معرفی کتاب «همه‌ی ما عجیب و غریبیم» نویسنده: ست گادین مترجم: امیر انصاری گروه‌فرهنگ و هنر - کتاب همه‌ی ما عجیب و غریبیم، نوشته ست گادین است. ایسن کتاب با ترجمه امیر انصاری منتشر شده است. این کتاب با شعار آغاز ظهور قبایل و پایان نرمان نوشته شده است. درباره کتاب همه‌ی ما عجیب و غریبیم نویسنده: ست گادین مترجم: امیر انصاری